

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ملک الشعراء

استاد محمد نسیم «اسیر»

تنظیم و ویرایش: پورتال

جولان شاعر

در قلمرو هستی جلوه نمایان کن
باده را خیالی نیست ترک این خمستان کن
آخر ای دو چشم از خون موج خیز و طوفان کن
«لا اله الا الله» گفته دفع شیطان کن
داد از فلک بستان، هرکه هست حیران کن
ملتی به قربانی ست، همت ای سخندان کن
در دل عدو بگذار چهره ها نمایان کن
خیز و بر زمین بشکن، کار شیرمردان کن
دیده واکن و یک بار یاد قوم افغان کن
مرغ زخمی مصدوم رحم کرده درمان کن
درد او ببین چونست جست و جو و پرسیان کن
با تأثر و حسرت دیده اشک ریزان کن
ملت سراپا درد یاد آر و گریان کن
بهر طفل آواره، فکر لقمه نان کن
از سرشک خونینی موج ها به دامن کن
این گره ز هم بگشا، مشکل خود آسان کن
در مزار طوفان است، رو به شاه مردان کن

«ای قلمبست آخر» زود باش و جولان کن
خول نیست و حالی نیست، عشق را مجالی نیست
آه! دل نمیدانم رشته در کجا دارد؟
گر سیه دل گمراه، میرسد به تو از راه
دفع گر نشد شیطان، نعره زن بده فرمان
دور دور شیطانی ست، صحنه رجزخوانی ست
جوهر سخن پر بار، خنجر قلم بردار
این فلک ستیزان را، مغز زورمندان را
در جهان گیر و دار، سر ز پای غم بردار
یاد ملت مظلوم، یاد ملت معصوم
ملتی که مغبون است غرق دجله خون است
بین که آخر این ملت تا به کی کشد ذلت
ملت سراپا غم، ملت سراپا خون
با زنان بیچاره، مرد پیره من پاره
ملت خوش آئینی، سرفراز و سنگینی
مشکل ترا هرگز کس نمی کند آسان
کابلت پریشان است، قندهار ویران است

کای سُلَالَه احمَد، ای صحیفه رحمت رنج و غم شده بی حد، بار غصه پایان کن
این سیه دِلان امروز نارواتر از دیروز درس مردمی آموز، کار شان به سامان کن
از «اسیر» غمپرور، گُر نمیکنی باور
ظلم دشمنان بنگر، قد کشیده طغیان کن

(بن - المان، نومبر ۲۰۰۱ ع)